

## خلع ید از وزارتخانه کشاورز ستیز



گردید. پیروان این مکتب در باطن مخالف هرگونه پدیده سنتی بوده و آینده کشور را در الگوبرداری از جوامع پیشرفته غربی، بدون توجه به محدودیت های زیست بومی فلات خشک ایران می دیدند.

امروز از دیدگاه نگارنده، کشاورزستیزی تکنوکرات های وزارت نیرو جلوه ای از همین تفکر غربگرایانه است. در ادامه به شواهدی دال بر دشمنی مسئولین این نهاد مهندس مدار با کشاورزی سنتی در ایران اشاره مختصری می کنم.

■ مطابق «قانون آب» مصوب سال ۱۳۴۷ وزارت آب و برق (بعدها وزارت نیرو) وظیفه حفاظت از ذخایر سفره های آبی در همه حوضه های آبریز کشور را بر عهده داشته است. از اواخر دهه سی دستگاه های حفاری چاه های نفت برای نخستین بار در

تعادلی شکننده برپایه کشاورزی، قنات (کاریز) و انباشت حداکثری سرمایه با به حداقل رساندن مصرف آب بوده است.

اما آشنایی با تحولات صنعتی در جهان غرب، ایرانیان غربدیده و تکنوکرات را به این صرافت انداخت که دستاوردهای تکنولوژیک جدید غرب می تواند لزوم معیشت سخت بر اساس صرفه جویی در آب را منتفی ساخته و شیوه زندگی مصرفی غربی را در این سرزمین رواج دهد.

جلوه بارز حقانیت این اندیشه التقاطی، رواج حفر چاه عمیق و برداشت آب از عمق ذخایر زیرزمینی فلات ایران بوده است. این تفکر در بین جوانان ایرانی که از زمان جنگ های ایران و روس برای آموزش علوم و فنون عازم جوامع غربی شدند، پس از بازگشت به ایران تبدیل به یک مکتب سیاسی

زراعت و کشاورزی در سه هزار سال گذشته در فلات مرکزی ایران متکی به قنات و در پیرامون فلات و اراضی پست تر متکی به رودخانه و در کوهپایه های مرزی متکی به کشت دیم بوده است. قریب ۵۰ هزار روستا به کمک حدود ۵۰ هزار رشته قنات و یا چشمه های کوهستانی، ستون فقرات معیشت مردم این سرزمین خشک و کم باران را تشکیل می داده است. در آن سال ها کشاورزی فاریاب (آبیاری با قنات و روان آب ها) توان تولید بیشتر غله (ماده غذایی اصلی) را نسبت به کشاورزی دیم ممکن می ساخت و این تولید غذایی بیشتر با تأمین معیشت اقشاری که استعداد و ذوق انجام کارهای غیرکشاورزی داشتند، زمینه اشتغال آنان را در فعالیت های صنعتی، بازرگانی و هنری فراهم می کرد. فرهنگ ایران همواره زاییده

قهوه یا دانه های روغنی مثل زیتون ردپای آب خیلی بالاتری دارند. (چیزی در مقیاس ۱۰ تا ۵۰ برابر بیشتر از محصولات جالیزی) بسیار بعید است که همین وزیر محترم در اظهار نظر راجع به راندمان نیروگاه های حرارتی دچار چنین اشتباه فاحشی شوند.

تکنوکراتهای وزارت نیرو به دفعات ادعا کرده اند که بیش از نود و دو درصد آب شیرین در ایران صرف کشاورزی می شود. بنابراین صرفه جویی مؤثر در مصرف آب فقط با کاهش سهم کشاورزی ممکن است. به عبارت دیگر می گویند صرفه جویی در مصارف شهری و صنعتی به دلیل حجم اندک نمی تواند تأثیر گذار باشد. مغلطه ای از این بزرگتر کمتر می توان یافت. کارشناسان این وزارتخانه نیک می دانند که مشکلات آب در هر حوضه آبریز کشور به همان حوضه مربوط بوده و راه حل باید در محدوده همان حوضه جستجو شود. بطور مثال ممکن است در حوضه آبریز کویر درانجیر کاهش برداشت در بخش کشاورزی بیشترین تأثیر مثبت را بر بهبود بیلان حوضه داشته باشد در حالیکه در حوضه آبریز دریاچه نمک قم که شامل شهرهای تهران بزرگ، کرج، شهریار، ورامین، قم و تعداد کثیری شهرهای کوچکتر و هزاران مصرف کننده صنعتی قرار دارند، قطعاً بیشترین مقدار آب نه در بخش کشاورزی بلکه در بخش شهری و صنعتی مصرف می شود. در چنین حوضه ای البته صرفه جویی در مصارف شهری و صنعتی و فضای سبز شهرها کارساز خواهد بود. ندیده ام و نشنیده ام که حتی یک کارشناس ارشد در وزارت نیرو هیچ اعتراض و یا حتی اشاره ای به این مغلطه همدستان خود کرده باشد. در همین رابطه نکته دیگری نیز در جهت گیری ضد کشاورز مقامات این وزارتخانه تلویحاً وجود دارد. آنجا که صحبت از مصارف آب شیرین در فلات ایران می شود این کشاورزان نیستند که عمدتاً از آب شیرین بهره می برند بلکه عمده آب شیرین به مصارف شهری رسیده و پساب آن صرف کشاورزی می شود. به جرأت می توان گفت که در بین

روستاییان، امنیت منطقه را به چالش کشیده است.

صدور پروانه های بیشمار اعم از شرب، صنعتی و کشاورزی در دشت ممنوعه نه تنها نوعی سرقت از حقایق های کشاورزان ذبح بوده، بلکه با کاهش سطح سفره موجب افت کیفیت آب در چاه های حقایق داران شده است. این افت کیفیت آب به تدریج با تجمع املاح در خاک، بازدهی مزارع و باغات کشاورزان را کاهش داده است. در جایی که به طور متوسط در دهه سی ۳ تن پسته در هکتار برداشت می شد، اکنون به علت افت کیفیت آب و شوری زمین با متوسط برداشت حدود یک تن در هکتار مواجهیم.

وزارت نیرو در سال های اخیر در جهت توجیه آواره کردن کشاورزان صاحب حق و برای فرار از تعهدات قانونی خود در حفظ یا جبران حقایق های کشاورزان، خارج از صلاحیت قانونی، و با مصادره اختیارات وزارتخانه های صنایع، کشاورزی و اقتصاد، بر مسند قضاوت نشسته است که اصلاً در فلات ایران کشاورزی فعالیتی مخرب و غیراقتصادی است. گویا کشاورزان حقایق های خود را هدر می دهند و بهتر است که حقایق های ایشان را حتی الامکان بدون پرداخت هیچ غرامتی در اختیار گرفته و به بخش های دیگر واگذار کنیم! برای مثال آقای مهندس حمید چیت چیان وزیر محترم نیرو در تابستان ۹۴ در بازدیدی از شهرستان پیشوا از توابع ورامین فرموده اند که «حقیقتاً صادرات هندوانه به علت اینکه برای تولیدش باید میزان زیادی آب مصرف شود عاقلانه و منطقی نیست.» حال آنکه آقای دکتر حامد قدوسی مدرس اقتصاد در انستیتوی تکنولوژی استیونز در آمریکا در تارنمای تخصصی خود در مقاله ای تحت عنوان «بحث شیرین و گمراه کننده صادرات هندوانه» این ادعا در مورد هندوانه را عامیانه دانسته و با محاسبه نشان داده اند که «محصولاتی که خیلی خیس به نظر می رسند (مثلاً گوجه فرنگی یا خیار یا هندوانه یا کاهو) اتفاقاً ردپای آب [آب مجازی] خیلی «کمی» دارند. در مقابل محصولات خشک و جان دار مثل بادام و پسته و بامیه و

سرتس کشاورزان برای ایجاد چاه عمیق که از عمق سفره های آبی برداشت می کرد، قرار گرفت. تا آن زمان و طی سه هزار سال گذشته روستاییان سختکوش با حفر کاریز از سرریز سفره های آبی برای آبیاری مزارع استفاده می کردند. به عبارت دیگر کاریز فقط بهره بردار بخش تجدید پذیر آب سفره های زیرزمینی بود. از آغاز دهه چهل واردی از دعاوی حقوقی بین صاحبان کاریزها و حفاران چاه عمیق پیش آمد که نشان می داد چاه عمیق حفر شده با کاهش سطح سفره آبی موجب کم آبی یا خشکی قناتی در آن منطقه شده است. بنابراین از همان آغاز، ظن این وجود داشت که بیلان آب در بعضی دشت ها در خطر منفی شدن قرار دارد. این اتفاق بیشتر در دشت های حاشیه کویر که کاریزها تقریباً تمامی آب تجدیدپذیر را استحصال می کردند نمایان بود. مثلاً در مدت کوتاهی بعد از ایجاد ادارات تابع وزارت نیرو در استان کرمان، مطالعه ای صورت گرفت که نشان می داد بیش از ۹۰ درصد آب تجدیدپذیر در سفره آبی دشت رفسنجان توسط قریب به ۱۶۰ رشته قنات و تعداد اندکی چاه عمیق جدید التاسیس استحصال می شده است. دیگر این دشت ظرفیت حفر چاه عمیق بدون منفی شدن بیلان را نداشت. همه این قنات ها دارای سند مالکیت ثبتی بوده و اسناد، مورد معامله و حتی توارث قرار گرفته و این نقل و انتقال ها مشمول پرداخت مالیات نیز بود. اما وزارت نیرو با تعلق و وقت کشی بسیار سرانجام نتیجه مطالعات را در سال ۱۳۵۳ منتشر، دشت را ممنوعه اعلام و حفر چاه عمیق در این دشت را قلعین کرد. وزارتخانه ای که وظیفه آن محافظت از ذخایر آبی کشور و جلوگیری از برداشت جدید در دشت های ممنوعه بود، از بعد از ممنوعیت تا امروز بیش از هزار مجوز حفر چاه عمیق اعم از شرب، صنعتی و کشاورزی در این دشت صادر، مزارع کشاورزان صاحب حقایق را خشکانده و با تاراج دادن ذخایر چند هزار ساله سفره عظیم آبی رفسنجان با آوارگی

۱۵۰۰ چاهی که آب کشاورزی دشت رفسنجان را تأمین می کنند تعداد چاه های با آب شیرین انگشت شمار می باشد.

■ در اقدامی سؤال برانگیز کارشناسان وزارت نیرو عدم مخالفت خود را با طرح قانونی ضد قانون «تعیین تکلیف چاه های فاقد پروانه بهره برداری» به افزودن تبصره هایی به این طرح توسط مجلس شورای اسلامی مشروط کردند. این تبصره ها همگی نشان از کشاورز ستیزی این وزارتخانه دارد.

● تبصره ۱ فقط صاحبان چاه های کشاورزی و نه صنعتی و نه آب شهری را مکلف به نصب کنتور هوشمند به هزینه صاحب چاه کرده است. اگر به گفته مدیرکل دفتر نظام های بهره برداری و حفاظت آب و آبفای وزارت نیرو، آقای مهندس جواد میدی [۱] تعداد چاه های کشاورزی مجاز را متجاوز از ۴۰۰ هزار بدانیم به موجب همین تبصره هزینه ای معادل ۲۲۰۰ میلیارد تومان به کشاورزان تحمیل می شود تا جهت رونق کسب و کار پیمانکاران وزارت نیرو خرج شود. جالب آن است که در یکی از سفره های آبی کشور که بطور تصادفی توسط سه تن از محققین کشور صورت گرفته و در مجله تحقیقات اقتصاد کشاورزی پاییز ۹۴ به چاپ رسیده است [۲]، میزان پروانه های بهره برداری صادر شده توسط وزارت نیرو بیشتر از میزان برداشت واقعی کشاورزان است. در نتیجه نصب اینگونه کنتورها به جز کمک رسانی به پیمانکاران وزارت نیرو و اضرار به کشاورزان هیچ گونه ثمری ندارد. وزارت نیرو صاحبان چاه های صنعتی و شرکت های آب و فاضلاب شهری را از این اضرار محفوظ داشته است. قابل توجه است که بدانیم شرکت های آب و فاضلاب از زیر مجموعه های وزارت نیرو هستند و سرنوشت حفاظت از ذخایر آبی کشور به وزارتخانه ای سپرده شده که در زیر مجموعه خود یکی از بزرگترین متقاضیان پروانه حفر و بهره برداری چاه در مناطق ممنوعه کشور را سرپرستی می کند. به عبارت دیگر حراست از پیه به گربه سپرده شده است!

● در تبصره های ۲ و ۳ این طرح قانونی وزارت نیرو محدودیت های دیگری برای چاه های کشاورزی قائل شده و باز هم چاه های صنعتی و آب شهری را بدون هیچ گونه توجیهی از این محدودیت ها مستثنی کرده است. ■ وزارت نیرو اجازه می دهد که مالکین چاه های کشاورزی، پروانه بهره برداری خود را به صاحبان واحدهای صنعتی بفروشند. اما اجازه نمی دهد که کشاورزان پروانه بهره برداری خود را به کشاورزی دیگر انتقال دهند. این محدودیت بسیار جهتدار و ظالمانه است و نشان از صنعت دوستی و کشاورز ستیزی این نهاد دارد.

■ فریاد مسئولین وزارت نیرو از بازدهی اندک کشاورزان ایرانی در مقایسه با کشاورزان کشورهای توسعه یافته، گوش فلک را کر کرده حال آنکه همکاران ایشان در هیأت دولت به قدری بازدهی در بخش صنعت را نسبت به کشورهای توسعه یافته اندک می بینند که بقاء این صنایع را تنها در پناه دیوار بلند تعرفه های سنگین گمرکی ممکن می دانند.

■ از آنجا که وزارت نیرو بر صدور مجوز برداشت آب بیش از ظرفیت سفره در بیشتر دشت ها اذعان داشت، در برنامه چهارم بودجه کشور از این نهاد خواسته شد که تا پایان برنامه چهارم ۲۵ درصد برداشت از منابع زیرزمینی را تقلیل دهد. در این راستا هیأت وزیران طی تصویب نامه به شماره ۱۳۸۷/۵/۲۹ مورخ ۳۵۳۷۶/۸۵۱۶۶ به جبران اشتباهات گذشته وزارت نیرو را مکلف کرد که این ۲۵ درصد کاهش را از طریق خرید چاه های آبدار و انسداد آنها تحقق بخشد. اما این وزارتخانه ی خودسر به جای تمکین به قانون و مصوبه هیأت وزیران، به سنت کشاورز ستیزی سعی کرد بار مالی جبران اشتباهات را از شانه خود برداشته و به صورت ظلم بالسویه از طریق کاهش همه حقابه ها بر دوش کشاورزان محروم بگذارد.

■ جسارت مسئولین این وزارتخانه بدانجا رسیده است که به شدت از بهبود بازدهی آب در بخش کشاورزی جلوگیری کرده و کشاورزان را به سوی ورشکستگی و آوارگی سوق می

دهند تا بتوانند حقابه های ایشان را تصرف و بدون صرف بودجه وزارتی قدرت تخصیص آب های کشاورزی را صاحب شوند. باور کردنی نیست که هم اکنون توسط وزارت نیرو علیه یک کشاورز حکم تخریب مجاری آب و لوله کشی صادر شده است. کشاورزی که جهت افزایش محصول تصمیم گرفته بخشی از زمین های نامرغوب خود را از آب انداخته و آب آن را در مزرعه دیگری متعلق به خود که زمین آن حاصلخیز، اما آب آن ناکافی است، مصرف کند. نه فقط این ظلم به کشاورز، بلکه به اقتصاد کشور است که نهادی به ظاهر خدمتگذار در صدد جلوگیری از افزایش تولید ملی و ضربه زدن به بهره وری آب در کشاورزی باشد. به کجا می توان پناه برد وقتی که تکنوکراتی در تهران تصمیم می گیرد که زارعی در منطقه زرنند کرمان باید آب شیرین را در زمین شور مصرف کند و آب شور را در زمین شیرین؟!

■ امروز در منطقه بحرانی انار رفسنجان آب لب شوری را که کشاورزان از اندک مانده سهم قانونی خود به قیمت هر متر مکعب ۲۰۰۰ تومان معامله می کنند، وزارت نیرو در بالادست با زیرپا گذاشتن اصل اسلامی «لاضرر و لااضرار» (حتی شورای نگهبان و مجلس شورای اسلامی، وزارت نیرو را مکلف به رعایت این اصل دانسته است.)، به طور نامشروع برداشت و تقریباً مجانی در اختیار یکی از شرکت های تابعه ی خود قرار می دهد تا این شرکت با فروش هر متر مکعب آن به قیمت ۳۰۰ تومان در اختیار سازندگان برج های اشرافی مرکز استان قرار دهد. حتی پساب آن را هم به جای برگرداندن به همان منطقه به کارخانه های فولاد سازی در منطقه دیگر تخصیص می دهند. آیا چنین دستگاہی که با «اخذ به ناحق و بذل به غیر مستحق» روزگار می گذراند، جایی در حکومت اسلامی دارد؟

کشاورز ستیزان پایتخت نشین که قریب به ۵۰ سال است اختیار منابع آبی کشاورزان این سرزمین را به عهده داشته اند، هیچ گاه دیده نشد گامی برای حفظ کاریهایی که حفاظت از منابع آبی آنها به ایشان سپرده شده

سرفتی، آن هم با جواز دولتی و بعضاً توسط نهادهای دولتی، صورت گیرد. شاید کثیری از ایشان هم بپذیرند که این کم آبی از آثار گناه فاحش و پدیده خشکسالی است.

تجربه نشان داده است ادامه واگذاری تولید آب های زیرزمینی به چنین نهاد تکنوکرات زده ای گناهی نابخشودنی است. از آن جهت که مدیریت منابع پراکنده آب های زیرزمینی در ده ها حوضه آبریز متفاوت امری نیست که دور از چشم کشاورزان سختکوش توسط نهادهای متمرکز در پایتخت و آن هم کشاورز ستیز سامان یابد. هر لحظه تأخیر در خلع ید از این وزارتخانه در مدیریت منابع آب زیرزمینی خساراتی به دنبال خواهد داشت که ده ها نسل آینده باید تاوان این سهل انگاری را بپردازند.

#### پانوشتها:

- [۱]- گفتگوی آقای میبیدی با خبرگزاری ایلنا مورخ ۹۵/۱۱/۱۸
- [۲]- بررسی تخریب منابع آب زیرزمینی برارزش اقتصادی سرمایه کشاورزان پسته کار استان کرمان - فهیمه جعفری مهدی آباد - محمد عبداللهی عزت آباد- محمدرضا اسلامی

والسلام علی من التبع الهدی  
مهدی آگاه - اسفند ماه ۹۵

آموزشی برای آشنایی مهندسين جوان خود با سازه قنات، حریم آبی آن و استفاده از شیوه های مدرن مرمت و نوکني آن برگزار نکرده است.

شاید انتظار آنکه بیش از ۳۵ هزار قنات پراکنده در سراسر ایران را تمرکزگرایان دولتی حفاظت و ترمیم کنند، بی شباهت به آن نباشد که حفظ و ترمیم هزاران ابنیه تاریخی خشتی پراکنده در سراسر روستاهای کشور را به مهندسان محاسب انجمن برج سازان تهران بسپاریم!

اگر وظایف وزارت آب و برق (وزارت نیرو) محدود به رودخانه های بزرگ و سد ها و نیروگاه های برقابی مانده بود، امروز حداقل در آن زمینه عملکرد کمتر زیانباری می داشتند. زیرا دست کم در مورد روان آب ها خطاهای مسئولین این وزارتخانه در معرض دید زبان دیدگان قرار می گرفت. مثلاً خشکاندن مرداب گاوخونی، قطع چندین ماهه جریان آب زاینده رود، خالی بودن پشت سدهای جدید التأسيس و شور شدن کارون از پدیده هایی نبود که از چشم غیر مسلح مردم این سرزمین مخفی بماند. روستاییان پراکنده در فلات ایران که منابع آبی ایشان با حفر چاه عمیق فرسنگ ها بالادست حوضه به سرفت می رود، به سختی می پذیرند که با وجود ممنوعیت برداشت ممکن است

بود، بردارند. سبب این بی کفایتی را می توان در سابقه تشکیل «وزارت آب و برق» و زاده شدن آن از بطن «سازمان آب و برق خوزستان» جست.

«سازمان آب و برق خوزستان»، خود با هدف بومی سازی طرح های کشت و صنعت شرکت آمریکایی عمران و منابع (Development & Resources) در استان خوزستان تشکیل شد. این سازمان وظیفه داشت به کمک سدهای برقابی، کشاورزی صنعتی و صنایع عظیم وابسته به کشاورزی را در استان خوزستان سامان بخشد. سپردن حفاظت ده ها هزار قنات در روستاهای پراکنده به چنین نهادی، بزرگترین بی تدبیری در انتخاب مجری برای «قانون آب» محسوب می شود.

آنچه تخریب کاریزها را شتاب مضاعف بخشید سپردن مدیریت فناوریترین وزارتخانه کشور به دست توده ای های سابق بود که همچنان به فرهنگ مدیریت دستوری پایبند بودند. در معاونت های بخش آب «وزارت آب و برق» و تالی آن «وزارت نیرو» هیچ گاه مدیریت کل یا اداره ای یا بخشی برای حفظ و حراست از قنات تشکیل نشد. این وزارتخانه هیچ گاه یک دوره ی

